

○ از منظر محور تنش‌زدایی و اعتمادسازی در سیاست خارجی دولت چهاردهم، چگونه محدودیت‌ها و فشارهای بین‌المللی و رفتارهای تعارضی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله اسرائیل و آمریکا بر امکان تحقق اهداف راهبردی ایران در حوزه امنیت ملی و سیاست خارجی تأثیر گذاشته و چه سازوکارهایی می‌تواند برای مقابله با این تضاد میان حسن نیت سیاست‌گذار و واقعیت‌های قدرت بین‌المللی پیشنهاد شود؟

محور اصلی سیاست خارجی پزشک‌یان را تنش‌زدایی و اعتمادسازی تشکیل داده است. هریک از دو نشانه یاد شده در شرایطی که واحدهای سیاسی فضای کنش مسالمت‌آمیز را تجربه می‌کنند، می‌تواند نتایج مطلوبی را برای واحدهای سیاسی به وجود آورد. چنین نشانه‌ها و شاخص‌هایی در سال‌های ۸۴-۱۳۷۶ زمینه بهینه‌سازی شرایط اقتصادی و ارتقای ضریب امنیت ملی ایران را به وجود آورد. شکل‌بندی‌های ساختار اجتماعی و سیاسی در هر دوران را می‌توان به عنوان واقعیت تأثیرگذار در عرصه سیاست خارجی ایران مبتنی بر تنش‌زدایی و اعتمادسازی در سال‌های دهه ۱۳۷۰ دانست. گروه‌های شهروندی ایرانی در این دوران تاریخی به دلیل آنکه از مازاد راهبردی غیر متوازن بهره می‌گرفتند، در فضای «انتظارات فزاینده سیاسی و اجتماعی» واقع شده و این امر برخی از بحران‌های سیاسی در ایران را اجتناب‌ناپذیر ساخت. از جمله این بحران‌ها می‌توان به چالش امنیتی ۱۳۷۸ اشاره کرد که تأثیر خود را در رقابت گروه‌های متعارض ساختار داخلی ایران به جا گذاشت. به همان گونه‌ای که در سال ۱۳۷۶ شرایط برای انجام اصلاحات سیاسی و سیاست خارجی ایران فراهم بود، در سال ۱۴۰۳ نشانه‌هایی از تعارض تضاد یابنده را می‌توان در حوزه سیاست خارجی و عرصه امنیت ملی ایران مشاهده کرد. اگرچه تنش‌زدایی سیاست خارجی به عنوان بخشی از ضرورت‌های راهبردی ایران ۱۴۰۳ تلقی می‌شد، اما واقعیت‌های کنش تعارضی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به ویژه اسرائیل و آمریکا، زمینه شکل‌گیری چالش‌های راهبردی تضاد یابنده را اجتناب‌ناپذیر می‌کرد. محدودیت‌ها و فشارهای بین‌المللی مانع از انگاره کنش مبتنی بر حسن نیت رئیس‌جمهوری اسلامی ایران می‌شد. علت آن است که سیاست جهانی ماهیت رمانتیک ندارد. کارگزاران سیاست خارجی و امنیتی کشور باید به این موضوع واقف باشند که هرگونه کاهش قدرت تأثیر خود را در افزایش فشارهای تهاجمی و محدودیت‌های بین‌المللی علیه این گونه بازیگران به جا می‌گذارد.

○ چگونه تضاد گفتمانی داخلی در ایران که بر ملاحظات قدرت و رقابت تأکید دارد، بر امکان تحقق اهداف تنش‌زدایی و اعتمادسازی تأثیر گذاشت؟

رویکرد سیاست خارجی پزشک‌یان را می‌توان مبتنی بر نشانه‌هایی از «ادبیات صلح و سازندگی» دانست. تحقق این امر در شرایطی حاصل می‌شود که زمینه‌های ساختاری و راهبردی وجود داشته باشد. پزشک‌یان در شرایطی رئیس‌جمهوری اسلامی ایران شد که موج‌های تعارض بیشتری علیه ایران شکل می‌گرفت. به قدرت رسیدن دونالد ترامپ، چالش‌های سیاست خارجی پزشک‌یان را افزایش داد. ترامپ همواره از سیاست تهدید بهره گرفته و تلاش دارد تا اهداف خود را از طریق به حداکثر رساندن فشارهای امنیتی تحقق بخشد. طبیعی است که در چنین شرایطی هیچ گونه نشانه‌ای از کنش متقابل آمریکا فراهم نمی‌شود. تنش‌زدایی مؤثر و موفق در سیاست خارجی کشورها مربوط به فضای اجتماعی و راهبردی است که زمینه برای انجام اقدام متقابل از سوی بازیگران رقیب نیز وجود داشته باشد. واقعیت آن است که تنش‌زدایی یکجانبه هیچ گاه نمی‌تواند نتیجه مطلوب و مؤثری برای واحدهای سیاسی فراهم آورد. یکی از دلایل عدم موفقیت پزشک‌یان در تحقق اهداف معطوف به تنش‌زدایی را می‌توان ناشی از شرایط و فضای ساختاری دانست که اولاً موازنه قدرت در محیط منطقه‌ای تغییر پیدا کرده و ثانیاً با به قدرت رسیدن دونالد ترامپ، شکل جدیدی از کنش تهاجمی در رفتار ایالات متحده نسبت به ایران حاصل شده بود.

○ با توجه به رویکرد صلح‌طلبانه و تنش‌زدایانه سیاست خارجی پزشک‌یان، چگونه فقدان چنین رویکردی و جایگزینی گفتمان رقیب داخلی که بر ابزارگرایی برای بازتوزیع قدرت داخلی و منطقه‌ای تأکید داشت، می‌توانست سیاست خارجی ایران را در دوره مواجهه با چالش‌های امنیتی و راهبردی اسرائیل و آمریکا شکل دهد و چه پیامدهایی برای اثرگذاری دیپلماسی و امنیت ملی کشور به همراه می‌آورد؟

اگر دیپلماسی دستور کار اهداف مشخصی داشته و اهداف بازیگران متناسب با

قابلیت و ابزارهای آنان تبیین شود، در آن شرایط دیپلماسی می‌تواند مرجع حل مسالمت‌آمیز اختلافات باشد. اثربخشی دیپلماسی رابطه مستقیم با هوشیاری دیپلمات‌ها، برنامه‌های تنظیم شده تاکتیکی و نتایجی دارد که می‌تواند زمینه لازم برای همکاری‌های فراگیر را به وجود آورد.

پزشک‌یان در مسیر انتخابات تلاش کرد اهداف خود را براساس گفتمان صلح و سازندگی دکتر ظریف و با تأکید بر تنش‌زدایی و اعتمادسازی در سیاست خارجی تبیین کند. این رویکرد نه تنها در انگاره عمومی جامعه تأثیر سیاسی مؤثری برای صندوق انتخاباتی او ایجاد کرد بلکه همزمان ظرفیت ارتقای دیپلماسی مسالمت‌آمیز ایران را افزایش داد.

این در حالی است که در مقابل، گفتمان رقیب داخلی که مبتنی بر منطق فشار، تسلط و ابزارگرایی بود، پیچیدگی بیشتری داشت. این گفتمان سیاست خارجی را به مثابه عرصه‌ای برای بازتوزیع قدرت داخلی و منطقه‌ای می‌دید، جایی که اعمال فشار، تهدید و مقابله با رقیبان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، بخشی از سازوکارهای تثبیت اقتدار داخلی و مشروعیت سیاسی محسوب می‌شد. در چنین چهارچوبی، دیپلماسی نه تنها به عنوان ابزار حل مسالمت‌آمیز اختلافات مورد توجه نبود، بلکه بیشتر به عنوان ابزاری برای تحمیل سیاست‌های یکجانبه و افزایش هزینه بر بازیگران رقیب دیده می‌شد. به عبارت دیگر، فقدان رویکرد صلح‌طلبانه مانند پزشک‌یان، راهبرد کشور را به سوی منطق تهدیدمحور و بازدارنده سوق می‌داد که اثرگذاری دیپلماسی ایران را کاهش می‌داد و احتمال تشدید بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را افزایش می‌داد.

هرگونه نقش‌آفرینی و کارکرد بازیگران مربوط به شرایطی است که نشانه‌هایی از امکان‌پذیری کنش و رفتار سازمانی وجود داشته باشد. فضای سیاسی و اجتماعی ایران هر روز با نشانه‌های جدیدی از چالش روبه‌رو می‌شد. در این شرایط ایران و آمریکا موافقت نمودند که برای برطرف‌سازی اختلافات، مذاکرات خود را آغاز نموده و در هر مرحله، بخشی از چالش‌های ایجاد شده را ترمیم و برطرف نمایند. واقعیت آن است که دیپلماسی ایران و آمریکا که با میانجیگری دولت عمان در مسقط و زم انجام می‌شد، نتوانست نتایج مطلوبی برای تحقق اهداف امنیتی و راهبردی جمهوری اسلامی به وجود آورد.

در فرآیند دور سوم تا مرحله آغازین دوره ششم (که تاکنون برگزار نشده) مذاکرات ایران و آمریکا؛ جمهوری اسلامی در معرض حملات نظامی، امنیتی و راهبردی اسرائیل و ایالات متحده قرار گرفت. چالش‌های شکل گرفته در روند مذاکرات بیش از آنکه منجر به صلح‌سازی یا ارتقای همکاری‌های ایران و آمریکا برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات شود، زمینه عملیات ترارژیک و جنگ ترکیبی اسرائیل و آمریکا علیه ایران را به وجود آورد. هرگونه کنش تاکتیکی علیه ایران منجر به چالش‌های بیشتری برای امنیت ملی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی شد.

○ با توجه به ضرورت شناخت محیط تاکتیکی، به کارگیری کارگزاران توانمند و درک اهداف و تاکتیک‌های سایر بازیگران، چه درس‌های راهبردی می‌توان برای ارتقای اثربخشی سیاست خارجی و تنش‌زدایی در شرایط پیچیده بین‌المللی استخراج کرد؟

واقعیت‌های موجود بیانگر آن است که تنش‌زدایی نیازمند شناخت محیط تاکتیکی است. بدون درک واقعیت‌های محیطی، هرگونه ابتکار عمل برای صلح‌سازی یا حل مسالمت‌آمیز اختلافات، چالش‌های بیشتری را برای کشورها به وجود می‌آورد. دومین ضرورت تنش‌زدایی را باید در به‌کارگیری کارگزارانی دانست که از تجربه، قابلیت ریسک‌پذیری و ابتکار عمل بیشتری برای حل اختلافات بهره‌مند باشند. برخی از اختلاف‌نظرهای ساختاری در هیأت دولت مانع از به‌کارگیری کارگزارانی شد که از تجربه بهینه‌سازی چالش‌های سیاست خارجی برخوردار بوده‌اند. سومین عامل اثربخشی دیپلماسی و سیاست خارجی را باید در شناخت اهداف و تاکتیک‌های سایر بازیگران دانست.

«سون تزو» نظریه‌پرداز موضوعات راهبردی چین در ۲ هزار و ۳۰۰ سال پیش به این موضوع اشاره دارد که هرگونه موفقیت راهبردی نیازمند شناخت سوژگی خود و دیگری است. در شرایطی که چنین شناختی به وجود نیامده بود و دیپلماسی فاقد دستور کار مشخصی برای بهینه‌سازی اهداف سیاست خارجی ایران بود، زمینه برای غافلگیری امنیتی و نظامی ایران به وجود آمد. جنگ اسرائیل علیه ایران را می‌توان نمادی از سازوکارهای «دیپلماسی فریب آمریکا» دانست که توسط کارگزاران حوزه سیاست خارجی، امنیتی و راهبردی ایران ادراک نشد. در چنین شرایطی طبیعی است که نه تنها هزینه‌های سیاست خارجی ایران افزایش می‌یابد، بلکه نشانه‌هایی از افزایش ضریب تهدید امنیت ملی در حوزه ساختاری نیز به وجود می‌آید. ▶



اگر
پزشک‌یان
نبود



برند
حقیقی

شهریور ۱۴۰۴
هفته دولت
ویژانه